

بازپرس محترم شعبه ۱۰ دادسرای عمومی و انقلاب اهواز

معاون محترم دادستان شهرستان اهواز

موضوع: پرونده کلاسه 9900408

با سلام،

احتراماً، در خصوص پرونده کلاسه فوق موضوع شکایت سازمان محترم بازرسی کل کشور علیه تعدادی از مدیران و کارکنان شرکت صنایع فولاد خوزستان در خصوص مبحث الکترو، به اتهام خیانت در امانت موضوع ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی، با عنایت به اینکه شکایت مطروحه بر اساس گزارش تنظیمی کارشناسان محترم سازمان یاد شده در آن شعبه محترم مطرح رسیدگی می باشد، موارد ذیل را اختصاراً جهت تشحید ذهن آن مقام محترم به عرض می رساند:

۱- بر اساس حضور نمایندگان محترم سازمان بازرسی گزارشی با فرض دولتی قلمداد نمودن شرکت صنایع فولاد خوزستان و ذکر عبارت، وابسته به یکی از مجموعه های بنیاد تعاون سپاه، نسبت به ارائه گزارشی به بازرس محترم قضائی و معاون نظارت و بازرسی امور سیاسی و قضائی سازمان یاد شده اقدام نمود، بر اساس اصل ممنوعیت حاکم بر حقوق عمومی بر خلاف قواعد حاکم بر حقوق خصوصی، دایره وظیفه و تکالیف هر سازمان و ارگان دولتی و نظارتی توسط قانون گذار مشخص شده، بر همین اساس وفق ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ با اصلاحات ۱۳۹۳، وظیفه و اختیارات سازمان یاد شده مبنی بر تجویز قانون گذار به امر بازرسی و نظارت دستگاههای اجرائی، شرکتهای دولتی، موسسات عمومی غیر دولتی، شهرداری ها، موسسات وابسته بدان ها، نهادهای انقلابی و سازمان هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنان متعلق به دولت است، اشاره داشته، به همین دلیل بنا به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، سازمان یاد شده صرفاً اجازه ورود و اعلام جرم در خصوص مصادیق فوق الذکر را آن هم بعد از طی مراحل قانونی دارد: ذکر این مقدمه از آن جایی حائز اهمیت است که شرکت صنایع فولاد خوزستان بنا به شرح ذیل جزء هیچ یک از مصادیق موضوع ماده ۲ قانون اصلاحی فوق نمی باشد، دقیقاً به همین دلیل بازرس محترم قضائی در بند ۱۶ مندرج نامه شماره ۷۰۰/۱۳۱۹۸ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۲ خطاب به معاون محترم بازرسی و تعالی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، لزوم طرح دعوی به دلیل تسامح و سهل انگاری شرکت در حفظ حقوق و اموال، درخواست طرح شکایت کیفری منطبق با ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی از باب خیانت در امانت بر علیه افراد به شرح مندرج در گزارش اقدام نموده و به عنوان بازرس قضائی که وظیفه قانونی انطباق موارد اعلامی در گزارش نمایندگان اعزامی سازمان بازرسی با موازین قانونی و دستور طرح دعوی از سوی سازمان بازرسی، به طرفیت متهمین در دادسرا را دارد، مجوز طرح شکایت سازمان محترم بازرسی استان و ایفاء نقش شاکی در این پرونده را صادر ننموده و لزوم طرح شکایت سهام داران را مطرح داشته، از طرفی بنا به خصوصی بودن شرکت فولاد خوزستان، لزوم وجود شاکی خصوصی در جرم خیانت در امانت به عنوان جرائم قابل گذشت وفق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۹۹/۲/۲۳ (تصویر موقوفی تعقیب به شماره ۹۹۰۹۹۷۷۴۲۱۰۰۴۶۹۰ مورخ

۹۹/۸/۲۹ صادره از شعبه یک بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۸ تهران در دعوی مطروحه از سوی سازمان بازرسی کل کشور به طرفیت شرکت اپال پارسیان که دولت در آن دارای ۴۰ درصد سهام می باشد ، به دلیل عدم وجود شاکی خصوصی ایفاد حضور می گردد ) لذا در ما نحن فیه ملاحظه میفرمایید که تاکنون هیچ شکایتی از سوی سهام داران شرکت صنایع فولاد خوزستان به طرفیت افراد یاد شده صورت نگرفته تا در حال حاضر به این دلیل ، پرونده حاضر مطرح رسیدگی واقع شود ، از حیثیت عمومی جرم نیز زمانی محمل قانونی در این باب وجود دارد که ارتکاب جرمی مخل نظم و حقوق عمومی باشد و یا به عبارتی جنبه الهی داشته باشد ، آن هم بنا به نظام کیفری در جرمی که در آن وجود شاکی قابل تصور نباشد مانند حمل اسلحه غیر مجاز ، لیکن فارغ از اینکه وفق ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ، وظیفه قانونی اقامه دعوی و تعقیب مجرم از حیث جنبه عمومی بر عهده مدعی العموم است نه سازمان بازرسی ، بر فرض صحت و سقم موارد اعلامی در متن گزارش نمایندگان محترم سازمان بازرسی مبنی بر اهمال و سهل انگاری برای شرکتی سهامی که دارای سهام داران با نام و ذی سمت برای طرح هر گونه ادعا و شکایتی از متولیان و مدیران شرکت وجود دارد ، موجب قانونی برای عدم تصور وجود شاکی ، فراهم نیست . فلذا می توان به صراحت بیان نمود که پرونده ای مطرح رسیدگی قرار گرفته که فاقد شاکی است که پرونده با شرایط حاضر با بهره گیری از نظر نهایی بازرس قضائی خود سازمان محترم بازرسی در بند ۱۶ نامه مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۲ ، صرفا نیازمند طرح شکایت از سوی سهام داران شرکت می باشد . بدین لحاظ مستندا به ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری موارد از مصادیق صدور قرار موقوفی تعقیب ، می باشد .

۲- در باب دولتی یا خصوصی بودن شرکت فولاد خوزستان ، مناسب است بیان گردد که قانون گذار در راستای جلوگیری از تفاسیر مختلف و جلوگیری از تعرض به آزادی های قانونی مصرحه در اصل قانون اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ، در ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری ، مواد ۳ و ۴ قانون محاسبات عمومی و تبصره ۳ ذیل ماده ۶ قانون اجرای سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی، نسبت به تعریف شرکتهای و سازمان های دولتی اقدام نموده و بیان داشته ، سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شده و تمام یا دست کم بیش از ۵۰٪ از سرمایه آن متعلق به دولت باشد، اعم از اینکه ابتدا دولت آن را تشکیل داده باشد یا بر اثر ملی شدن، تمام سهام آن به دولت انتقال داده شده باشد ، لذا هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه گذاری شرکت های دولتی ایجاد گردد مادامیکه بیش از ۵۰٪ سرمایه آن متعلق به شرکت های دولتی است، دولتی تلقی می گردد در غیر این صورت شرکت خصوصی بوده و تحت پوشش قانون تجارت ، مفاد مندرج در اساسنامه ، مصوبات هیات مدیره و بطور کل اصول مندرج در قانون تجارت اداره می گردد جهت مزید استحضار عمده سهام دار شرکت فولاد خوزستان ، شرکت توسعه اقتصادی پائندگان می باشد که دولت در راستای اجرای تکالیف قانونی خود مصرحه در بند ب ذیل ماده ۳ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۸۷/۴/۳۱، مبنی بر لزوم انتقال مالکیت و سرمایه گذاری ۸۰ درصد از



ارزش مجموعه سهام بنگاه های دولتی به بخش های خصوصی ، سازمان خصوصی سازی در سال ۱۳۹۱ در راستای مفاد قانون اجراء سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و مطابق آیین نامه ها و دستور العمل مربوطه و مصوبات شماره/141599 ت 47970 هـ مورخ 22/7/1391 و شماره/258443 ت 47970 هـ مورخ 28/12/91 هیات محترم وزیران و بند ۶ مصوبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ هیات عالی واگذاری پس از عرضه ۵۰ و نیم درصد سهام یاد شده به انضمام حقوق مدیریتی از طریق سازمان خصوصی سازی، نسبت به واگذاری بالای ۵۰ درصد سهام شرکت به شرکت توسعه اقتصادی پایندگانبه عنوان بخش خصوصی اقدام لازم معمول داشت ، وفق قانون یاد شده ، امکان واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی ، تعاونی و عمومی غیر دولتی فراهم گردید و متولیان امر واگذاری از جمله سازمان خصوصی سازی و هیات عالی واگذاری به عنوان تشکل برون سازمانی و مستقل متشکل از وزراء محترم دادگستری ، اطلاعات ، رفاه ، امور اقتصادی و دارایی ، سه نفر نماینده محترم مجلس ، مکلف به تایید بر امر واگذاری به بخش های یاد شده و خروج این گونه شرکتهای از زمره شرکتهای دولتی و تبدیل آن به شرکت خصوصی شدند ، با توجه به عدم شمول شرکت پایندگان در زمره بخش های دولتی یا شبه دولتی و یا تابعه و احراز آن ، شرکت مزبور به عنوان بخش خصوصی شناسایی و طرف قرارداد یاد شده با سازمان خصوصی سازی قرار گرفت ، موید این امر تصویر قرارداد شماره ۴۳/۲۵۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۲/۹ ابلاغی شماره ۴۰/۲۳۳۱۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۹ به عنوان اسناد رسمی ایفاد حضور می گردد ، چرا که وفق مواد ۱۲۸۴ و ۱۲۸۷ قانون مدنی مامور دولت ، در حدود صلاحیت تعیینی قانون گذار ، طبق مقررات قانونی تنظیم شده و طبق ماده ۷۰ قانون ثبت مصون از هر گونه ادعای تردید و انکار میباشند . بدیهی است در صورت هر گونه ابهامی در این باب مراتب قابل استعلام از سازمان خصوصی سازی است .

از طرفی مناسب است در خصوص شرکت پایندگان بیان گردد که سهام شرکت گروه توسعه اقتصادی پایندگان ( سهامی خاص ) بر اساس روزنامه رسمی شماره ۲۱۸۰۸ مورخ ۹۸/۱۱/۵ متعلق به شرکتهای سرمایه گذاری سامان مجد ، بنیان گستر کاوا و سامان تجارت مجد می باشد که بر اساس روزنامه رسمی پیوست و اساسنامه مصوب ، شرکتی است خصوصی که طبق قانون تجارت و مفاد مندرج در اساسنامه خود اداره می گردد در تایید این امر به مفاد مندرج در روزنامه رسمی فوق الذکر مبنی تفویض اختیارات مندرج در ماده ۴۱ اساسنامه شرکت مزبور به جناب آقای پرویز جمعی نتاج به عنوان مدیر عامل ، می باشد که یکی از موضوعات تفویض شده مصرحه در ماده مزبور ، حق مصالحه در دعاوی می باشد ، این در صورتی است که همانگونه که مستحضرید در شرکتهایی که مشمول موارد فوق اعم از شمولیت آنان بر شرکتهای دولتی ، موسسات دولتی ، در حکم موسسات دولتی ، موسسات عمومی غیر دولتی و سازمان های دولتی و .. باشند ، بر اساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی امکان

مصالحه بین طرفین بدون اخذ مصوبه از هیات وزیران برای هیات مدیره شرکت و بالتبع آن مدیر عامل در قالب تفویض اختیارات قانونی هیات مدیره بدان ها فراهم نمی باشد . فلذا از این باب نیز ملاحظه می فرمایید شرکت یاد شده ، در زمره شرکتهای خصوصی می باشد در غیر این صورت امکان قانونی برای ثبت شرح روزنامه فوق الذکر و تصویب آن در اساسنامه شرکت بلحاظ قانونی به هیچ عنوان فراهم نمی بود. البته با توجه به اینکه وفق قانون می بایست شخصیت حقوقی سهام داران هر شرکت برای بررسی ماهیت حقوقی آن مورد بررسی قرار گیرد ، لیکن جهت روشن شدن بیشتر موضوع ، اقدام لازم در باب استخراج اسامی سهام داران شرکت گروه توسعه اقتصادی پایندگان ( سهامی خاص ) نیز صورت پذیرفت ، بر اساس آگهی قانونی ثبت شده استخراجی از قسمت آگهی های قانونی به شماره ۲۲۱۰۳ مورخ ۹۹/۱۱/۱۱ ، سهام داران شرکت سرمایه گذاری سامان مجد به عنوان عمده سهام دار شرکت پایندگان ، عبارتند از شرکتهای توسعه سلامت ایوا ، امید سلامت شفا و پیشران کسب و کار شریف می باشند و حسابرس مستقل آنان بلحاظ خصوصی بودن شرکت مزبور ، وفق روزنامه رسمی ۲۲۲۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۳/۳۰ موسسه حسابرسی فریوران راهبرد به شناسه ملی ۱۰۸۱۸۷۳۱۱۹ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی رازدار به عنوان بازرس علی البدل می باشند و شرکتهای بنیان گستر کاوا و سامان تجارت مجد وفق روزنامه رسمی به شماره ۲۲۱۳۵ مورخ ۹۹/۱۰/۱۰ وفق اعلام انحلال ثبت شده در مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۷ منحل اعلام گردیده و جهت انجام امر تصفیه ، در مسیر انجام امر تصفیه می باشند که در این راستا قبل از اعلام ختم تصفیه که بلحاظ قانونی دوره زمانی اتمام شخصیت حقوقی مستقل شرکت های یاد شده می باشد ، علی القاعده می بایست نسبت به واگذاری سهام خود در شرکت پایندگان جهت امکان ختم تصفیه اقدام لازم معمول نمایند . بر همین اساس ملاحظه می فرمایید که حتی شرکتهای متشکله شرکت پایندگان نیز هیچ ارتباطی به شرکتهای دولتی ، موسسات دولتی و یا در حکم دولتی ، موسسات عمومی غیر دولتی و .. ندارد تا از این باب محملی برای تشکیل پرونده مورد نظر بنا به شرایط موجود بلحاظ قانونی فراهم باشد .

۳- با توجه به اینکه در صدر گزارش ، شرکت پایندگان را جزء یکی از نهادهای زیر بنیاد تعاون سپاه ، در نظر گرفته ، این در حالی است که ۵ ملاک برای احراز نهادهای زیر نظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) ، ضروری است: اول : انتصاب بالاترین مقام آن توسط معظم له دوم : تایید احکام صادره ی آن توسط معظم له سوم : حضور نماینده معظم له در آن ، چهارم : دستور تشکیل آن توسط معظم له و پنجم : انتصاب همه ی اعضای آن توسط ایشان ، اینها شرایطی هستند که هیچ یک از آنها شامل شرکت پایندگان به عنوان سهام دار شرکت صنایع فولاد خوزستان قابل تصور نیست.

اگر مراتب را از منظر بنیاد تعاون سپاه بررسی نماییم ، لازم به ذکر است وفق ماده ۲ اساسنامه بنیاد تعاون سپاه انقلاب اسلامی ، بنیاد مزبور موسسه ای غیر انتفاعی دارای شخصیت حقوقی و وابسته به سپاه و با اهدا سرمایه ی اولیه از سوی مقام معظم رهبری تشکیل شده و در مورخ ۷۲/۲/۲۳ به تصویب مقام معظم رهبری فرماندهی



کل قوا رسیده ، حال بر فرض قلمداد نمودن اینکه شرکت فولاد خوزستان به واسطه حضور شرکت پایندگان زیر مجموعه بنیاد تعاون سپاه به عنوان یکی از سازمان های زیر نظر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) باشد، توجه آن مقام محترم را به مفاد دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۲۱۴۶۴۸۶ مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۶ صادره از شعبه ۱۰۵۸ دادگاه کیفری دو مجتمع قضائی کارکنان دولت تهران در پرونده مطروحه توسط سازمان بازرسی کل کشور به طرفیت شرکتهای زیر مجموعه بنیاد مستضعفان جلب می نماید ، مقام محترم قضائی در پرونده یاد شده نسبت به استعلام از معاون محترم نظارت و حسابرسی دفتر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) مکاتبه دفتر مقام معظم رهبری خطاب به وزیر امور اقتصادی و دارایی مبنی بر لزوم اخذ اذن معظم له در مورد موسسات و نهادهای عمومی تحت نظر مقام ولایت فقیه و عدم شمول و اجرای قانون در مورد دستگاههای تحت پوشش آن دفتر محترم ایفاد حضور می گردد ، فلذا ملاحظه می فرمایید در این فرض نیز بدون اذن مقام معظم رهبری امکان جلب و اخذ توضیح در پرونده حاضر بواسطه ی شکایت سازمان بازرسی فراهم نمی باشد . البته همانگونه که مستحضرید مکاتبات یاد شده به صورت فوق محرمانه بوده و بر اساس قانون عدم امکان انتشار و ارائه اسناد محرمانه بدون اخذ مجوز از ریاست محترم قوه قضائیه موضوع قانون مزبور مصوب ۱۳۵۴ ، امکان ارائه مکاتبات یاد شده فراهم نبوده ، بر همین اساس ، در صورت صلاحدید مراتب می تواند از شعبه یاد شده مورد استعلام قرار گیرد . البته لزوم اخذ اذن در مورد نهادها و واحدهای تحت نظارت مقام معظم رهبری ، در زمان طرح یک فوریتی برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۲ ، طرح یک فوریتی ساماندهی بهداشت و اطلاق آن بر کمیته ی امداد ، لایحه اهداف و وظایف و تشکیلات وزارت علوم تحقیقات و فناوری و اطلاق آن به دانشگاههای تحت نظر فرماندهی معظم کل قوا و....، شورای نگهبان به دلیل اطلاق این طرح و شمول آن بر نهادهای زیر نظر مقام معظم رهبری ، آن را مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی از باب دخالت در اختیارات رهبری ، دانسته و بدین لحاظ برای شمول و ورود هر ارگانی ، اذن معظم له را ضروری اعلام داشتند . فلذا در این حالت هم بدون اذن از مقام معظم رهبری بنا به اصل ۵۷ قانون اساسی ، بر اساس موازین قانونی و شرعی اعلامی از شورای محترم نگهبان در موارد فوق فراهم نمی باشد و نهایتا مراتب می بایست بنا به همان شکل اقدامی از سوی بازپرس قضائی سازمان محترم بازرسی صرفا به واحد بازرسی فرماندهی سپاه پاسداران جهت انجام بررسی های لازم و نهایتا انعکاس مراتب به معظم له به عنوان تنها مقام مجاز قانونی ، جهت اتخاذ تصمیم لازم ، اقدام لازم معمول می گشت نه بدین گونه تشکیل پرونده ای بدون توجه به اصول اساسی و لازم قانونی برای تشکیل و بررسی آن ، فلذا پرونده حاضر از این حیث نیز محل ایراد اساسی است .

در خصوص تعریف قانونی نهادهای انقلابی و ماهیت حقوقی آن نیز همانگونه که مستحضرید ، تعبیر نهادهای انقلابی اولین بار در سال ۱۳۵۸ و ضمن < لایحه قانونی الحاقی به لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارتخانه ها و بانکها و مؤسسات و شرکت های دولتی > ، توسط شورای انقلاب به کار گرفته شد. اما اولین اقدام در خصوص تعیین جایگاه قانونی نهادهای انقلاب اسلامی در ساختار اجرایی و مدیریتی کشور مصوبه شورای انقلاب بود ، مطابق این مصوبه که در تاریخ ۹۵۳۱/۵/۵۲ در شورای مذکور

تصویب شد کارکنان نهادهای انقلابی از قبیل جهاد سازندگی، بنیاد شهید، نهضت سوادآموزی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از شمول مقررات قانون کار مستثنی شدند. در تبصره ذیل این ماده آمده است که "نهادهای انقلاب به ارگان‌هایی اطلاق می‌گردد که بنا به نیاز دوران بعد از انقلاب ایران، با تصویب مراجع قانون گذاری به وجود آمده باشند" متعاقباً در سال ۱۳۶۴ قانون «احتساب سوابق مستخدمین وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و مأموریت کارکنان مذکور در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی» به تصویب رسید که طبق ماده ۴، دولت مکلف شد ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ این قانون فهرست نهادهای انقلابی را تهیه و برای تصویب به مجلس تقدیم نماید. مقنن در اراده لاحق خویش و به موجب لایحه شماره ۶۶۹۷۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۱ که در خصوص ضوابط و اسامی نهادهای انقلاب اسلامی بوده و در جلسه علنی مورخ ۱۳۶۷/۲/۴۱ به تصویب رسیده بود، این نهادها را این گونه تعریف نمود: «منظور از نهادهای انقلاب اسلامی موضوع قانون احتساب سوابق خدمت مستخدمین، واحد سازمانی مشخصی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بنا به فرمان ولی فقیه و یا به ابتکار و اراده مردم به صورت خودجوش ایجاد گردیده و سپس به طور مستقیم یا غیرمستقیم مورد تأیید رهبری، شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و یا در اجرای قانون اساسی بعد از انقلاب تاسیس گردیده باشند». اما مصوبه مزبور که جهت تأیید به شورای نگهبان ارسال شده بود، با ایراد مغایرت با اصل ۳ قانون اساسی (تبعیض ناروا)، در ضمن عدم ذکر برخی از نهادهای انقلابی موجود مواجه شده و به تصویب نرسید. علاوه بر این، تبصره ماده ۱۳۰ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ نهادهای انقلابی را این گونه تعریف شد: «نهادهای و مؤسساتی که در جریان تحقق انقلاب اسلامی و یا پس از آن بنا به ضرورت‌های انقلاب اسلامی به وجود آمده اند و تمام یا قسمتی از اعتبارات مورد نیاز خود را از محل اعتبارات منظور در قانون بودجه کل کشور مستقیماً از خزانه دریافت می‌نمایند...». همان طور که اشاره گردید تاکنون تعریف جامع و مانعی از «نهادهای انقلابی» و مصادیق آن ارائه نگردیده اما به طور کلی می‌توان در این زمینه عنوان کرد "نهادهای انقلابی نهادهایی هستند که در جهت رفع نیازها و تثبیت و ترمیم نابسامانی‌های جامعه ایران، جلوگیری از اغتشاش‌ها و ناآرامی‌ها، گسترش‌دهی از زندگی مردم و در جهت تعالی آنها بوده و پس از انقلاب اسلامی، شکل گرفته‌اند." در مورد ماهیت حقوقی این نهادها نیز باید گفت؛ مطابق ذیل ماده ۱۳۰ قانون محاسبات عمومی «... در صورتی که وضعیت حقوقی نهادهای انقلابی به موجب قانون معین نشده باشد، مکلفند ظرف مدت مذکور در این ماده وضع حقوقی خود را با یکی از مواد ۲، ۳، ۴ و ۵ این قانون تطبیق دهند. از آنجا که آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری برای همگان لازم‌الاتباع بوده و در حکم قانون می‌باشد، می‌توان در تعیین نهادهای انقلابی از آرای هیئت عمومی دیوان نیز مدد جست. دادنامه‌های شماره ۷۸-۸۶/۹/۳۲ و ۴۶۱-۲۷/۹/۳۱ و ۰۳۲-۳۸/۶/۵۱ و ۸۱۲-۵۸/۴/۱۱ و ۸۶۶-۶۸/۸/۸ و ۲۰۶-۹۸/۲۱/۶۱ و ۱۳۴-۰۳۴ مورخ ۲۹/۷/۱ هیئت عمومی دیوان عدالت



اداری نیز نهادهای مزبور را از مصادیق نهادهای انقلابی تلقی نموده است. لیکن در آخرین اقدام قانون گذار وفق بنده ذیل ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی سال ۱۳۹۴، تشخیص نهادهای انقلاب اسلامی را بر عهده هیئت وزیران قرار داده است. لذا با عنایت به موارد فوق الذکر نظر به اینکه شرکت پایندگان بنا به هیچ یک از موارد فوق جزء نهادهای انقلابی قید نشده اند، موجبی برای نهاد انقلابی قلمداد نمودن آن نیز فراهم نمی باشد.

۴- در باب موسسه عمومی قلمداد نمودن شرکت فولاد خوزستان از باب سهام داری شرکت پایندگان و بر فرض تابعه محسوب نمودن شرکت مزبور به عنوان تابعه بنیاد تعاون سپاه، فارغ از اینکه سپاه در شرکت پایندگان سهامی ندارد تا محملی برای تعلق شرکت یاد شده به عنوان شرکتهای تحت پوشش سپاه، فراهم باشد، مناسب است بیان گردد که بر اساس ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری، کلیه ی سازمان هایی که در قانون اساسی نام برده شده است در حکم موسسه دولتی شناخته می شود، حال تنها سازمانی که نامش در اصول قانون اساسی بدان اشاره شده سازمان صدا و سیما مصرحه در اصل ۱۵۷ قانون اساسی می باشد و اصولا سپاه پاسداران که بر اساس اصل ۱۵۰ قانون اساسی تشکیل شده، سازمان محسوب نمی شود تا بتوان بر فرض مرتبط دانستن شرکت پایندگان به سپاه پاسداران، عنوان سازمان مصرحه در ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری را بدان بار نمود، از طرفی اگر فرض را اینگونه ببینیم، چرا بر اساس تکلیف قانونی تعیینی در اصل ۱۷۲ قانون اساسی مبنی بر لزوم رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص اعضاء نظامی یا انتظامی ارتش و سپاه انقلاب اسلامی، در محاکم نظامی مطابق قانون، پرونده حاضر در محاکم نظامی مطرح رسیدگی قرار نمی گیرد، چرا که در ابتدا بازپرس محترم دادسرا در جهت احراز صلاحیت ذاتی برای ورود به موضوع از جهت صلاحیت دادسرای نظامی یا عمومی، نسبت به استعلام مراتب از سپاه پاسداران مبنی بر عضویت اسامی مندرج در گزارش نمایندگان سازمان بازرسی به عنوان اعضاء سپاه اقدام نموده که به صراحت عدم عضویت آنان در سپاه پاسداران اعلام شده است، حال چگونه و بر چه اساسی علی رغم اعلام صریح مبنی بر عدم ارتباط نامبردگان و شرکت فولاد خوزستان به سپاه پاسداران، به پرونده با دیدگاه موسسه و شرکت دولتی قلمداد نمودن فولاد خوزستان برخورد می شود، چراکه اولاً: ماده ۲ قانون مزبور صرفاً اشاره به عبارت سازمان های مصرحه در قانون اساسی اشاره نموده، ثانیاً: سپاه اصولاً سازمان نیست تا مشمول این بند شود ثالثاً: بنا بر ماده ۲ اساسنامه بنیاد تعاون سپاه پاسداران، بنیاد مزبور موسسه غیر انتفاعی دارای شخصیت حقوقی مستقل می باشد نه سازمان نام برده شده در قانون اساسی که بالتبع آن مشمول ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری قرار گیرد و در حکم موسسات دولتی محسوب شود. رابعاً: اگر شرکت متعلق به سپاه بود چرا در دادسرای نظامی بنا بر تکلیف تعیینی در قانون اساسی موضوع بررسی نمی شود. خامساً: بر اساس ماده یک اساسنامه تشکیل سپاه پاسداران مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵ مجلس محترم شورای اسلامی، سپاه نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری، فلذا نه سازمان است نه موسسه بلکه نهادی با عنوان خاص و مرجع تحت امر خاص تعیینی، بر همین اساس، از این باب نیز به هیچ عنوان نمی توان به شرکت فولاد خوزستان عنوان موسسه یا در حکم دولتی انتساب داد.

۵- مناسب است بیان گردد که بر اساس مصوبه شماره ۳۳۰۰/۳۹۰۳۷ مورخ ۸۷/۱/۱۹ وزیران محترم عضو کمیسیون اقتصاد هیات دولت و تبصره ۲ ذیل ماده واحد قانون تشکیل سازمان حسابرسی مصوب مجلس محترم شورای اسلامی انجام وظیفه بازرسی قانونی و امور حسابرسی سالانه ی موسسات و شرکتهای دولتی و سایر دستگاه های مذکور مانند بنیاد مستضعفان ، بنیاد شهید ، تشخیص دولتی یا خصوصی بودن آنان در راستای اجرای تکالیف قانونی یاد شده ، صرفا بر عهده سازمان محترم حسابرسی می باشد ، این در حالی است که بنا به موارد صدر الذکر سهام داران شرکت فولاد خوزستان بعد از انجام امر واگذاری و تغییر ماهیت حقوقی شرکت ، در مجموع عمومی سالیانه شرکت نسبت به انتخاب موسسه حسابرسی مستقل برای سال مالی ۱۳۹۷ و موسسه حسابرسی مستقل برای بررسی دوره مالی سال ۱۳۹۸ اقدام نموده اند که بازرسان مستقل یاد شده نیز بر اساس تکلیف سهام داران و اسناد بالادستی شرکت اقدام به بررسی و اعلام نتیجه به سهام داران می نمایند.

۶- همانگونه که ملاحظه می فرمایید سازمان محترم بازرسی در گزارش خود کلیه ی اقدامات انجامی از سوی مدیران و کارکنان شرکت فولاد خوزستان ، را بر اساس آیین نامه معاملات شرکت مورد رصد و بازرسی قرار داده است ، ذکر این مطلب از آن جایی حائز اهمیت و توجه می گردد که در صورتی که شرکت فولاد خوزستان را به عنوان شرکت دولتی ، موسسه دولتی و یا در حکم موسسه دولتی فرض کنیم ، شرکت مزبور به دلیل مشمولیت وفق بند ب ذیل ماده یک قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ به عنوان دستگاه های اجرایی شناخته شده و الزاما می بایست کلیه ای اقدامات خود را در قالب قانون و آیین نامه برگزاری مناقصات هم در باب مزایده و هم در باب مناقصه انجام دهد و دیگر محملی برای اقدامات یاد شده بر اساس آیین نامه معاملات شرکت فراهم نبوده و نمی باشد ، فلذا ملاحظه می فرمایید که نماینده محترم سازمان بازرسی در گزارش خود به این امر اشاره ننموده و ایرادی بدان بار ندانسته است که به منزله قبول خصوصی بودن شرکت یاد شده از منظر سازمان موصوف می باشد ، چرا که امکان جمیع نقیضین در پرونده حاضر در فرض مزبور به لحاظ قانونی فراهم نیست .

۷- همانگونه که مستحضرید وفق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان گردد ، که در پرونده حاضر صرفا سهام دار بر اساس تعریف قانونی یاد شده می تواند در صورت دارا بودن مستندات به عنوان بزه دیده در قالب شاکی نسبت به تشکیل پرونده اقدام نماید ، در این فرض نیز به دلیل موانع قانونی ، امکان طرح آن با ایراد مواجه می گردد ، چرا که سهام داران شرکت فولاد خوزستان همانند سایر شرکتهای سهامی عام ، هر یک دارای نماینده در هیات مدیره شرکت می باشند و از طریق نظارت مستقیم و گزارش حسابرسی مستقل شرکت بررسی لازم در باب کلیه ای اقدامات انجامی از سوی هیات مدیره ، مدیر عامل و سایر متولیان امر معمول می نمایند ، در پرونده حاضر در دو دوره مالی کلیه اقدامات توسط مبادی یاد شده بررسی و نهایتا بدون طرح هر گونه ایراد منتهی به تصویب صورت های مالی مدیران گردیده ، ذکر این مطلب از آن جا حائز اهمیت می باشد که بر اساس ماده



۱۱۶ لایحه اصلاح قانون تجارت ، تصویب تراز نامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت بمنزله مفاسا حساب مدیران برای همان همان دوره مالی می باشد به گونه ای که بعد از تصویب صورت های مالی که کلیه ی موارد خرید و فروش موضوع سئوال به صراحت در آن درج شده ، موجبات آزاد شدن سهام وثیقه مدیران فراهم می گردد ، فلذا ملاحظه می فرمایید سهام داران شرکت فولاد خوزستان پس از بررسی صورت های مالی که بیانگر نحوه اقدامات اجرائی مدیران از حیث تولید ، فروش و خرید می باشد ، مراتب را تایید و تصویب نمودند که وفق قانون یاد شده به منزله صدور مفاسا حساب برای مدیران و به طریق اولی متولیان امور می باشد ، فلذا دیگر محمل قانونی برای برای ورود به مباحث یاد شده حتی از سوی سهام دار که در جریان کل امور بوده و آنان را مورد تایید قرار داده ، نمی باشد . تصویر صورت های مالی تایید شده توسط حسابرسان مستقل و تصویب آنان در مجامع عمومی شرکت برای دوره های مالی ۹۷-۹۸ ایفاد حضور می گردد ، فلذا اگر ایرادی به امور انجामी بنا به هر دلیل متصور باشد با لحاظ طی مراحل فوق الذکر مربوط به دوره مالی مورد سئوال ، تایید و تصویب صورت های مالی بر اساس تاییدیه حسابرس مستقل شرکت ، در مجمع عمومی سالیانه توسط سهام داران شرکت فولاد خوزستان ، که به منزله صدور مفاسا حساب مدیران مربوطه به طی دوره مالی کارکرد انجामी موضوع ماده ۱۱۶ لایحه اصلاح قانون تجارت است ، در حال حاضر می بایست هم هیات مدیره وقت شرکت ، هم بازرس مستقل و هم اعضاء مجمع عمومی سالیانه شرکت ، به عنوان تصویب و تایید کنندگان اقدامات انجामी فوق مخاطب سئوال و ایراد قرار گیرند ، نه فقط مدیر عامل وقت و برخی از مدیران میانی و کارکنان شرکت که کلیه ی اقدامات خود را منطبق به اسناد بالادستی مجموعه به انجام رسانده که این برخورد با عدالت و اصل تساوی افراد در مقابل قانون در تعارض آشکار است .

۸- فارغ از ایرادات عدیده در پرونده حاضر ، همانگونه که مستحضرید وفق ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ، تعقیب کیفری وفق قانون در غیر از موارد مصرحه در ماده یاد شده از باب موانع قانونی ، آغاز می شود ، یکی از موانع اعلامی برای امکان شروع به امر تعقیب از سوی دادسرای محترم وفق بند ث ذیل ماده یاد شده ، مبحث مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون می باشد ، ذکر این مطلب از آن جایی حائز اهمیت است که مرور زمان طرح دعوی ، در بزه خیانت در امانت به عنوان یکی از عناوین مجرمانه در زمره جرائم قابل گذشت ، مستندا به ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی، یک سال می باشد و در صورت عدم اعلام شکایت ، دیگر حق شکایت کیفری بزه دیده ساقط می شود ، که در پرونده حاضر موارد یاد شده ، نه مکتم بوده و نه مجهول بلکه به صراحت در صورت های مالی شرکت اشاره شده و سهام دار نیز پس از بررسی آنان ، در مجمع نسبت به تصویب آن اقدام نمودند ، فلذا از این حیث نیز موجب قانونی برای طرح دعوی فراهم نمی باشد . فلذا از این باب نیز موضوع از مصادیق صدور قرار موقوفی تعقیب بنا به شمولیت بر مبحث مرور زمان تعقیب می باشد .

۹- همانگونه که مستحضر مسئولیت مدیران و مدیرعامل شرکت سهامی عام مانند مسئولیت مدنی آن مسئولیت مبتنی بر خطا است ، در واقع مدیران باید هنگام انجام دادن وظایف خود مرتکب خطا شده

باشند و این خطا موجب ضرر شده باشد ، بر همین اساس قانونگذار در ماده ۱۴۲ لایحه قانونی مصوب ۱۳۴۷ اعلام نموده ، هیات مدیره شرکت چه مربوط به دوره قبل از دوره مورد سؤال از سنوات ۱۳۹۷ لغایت ۱۳۹۸ و چه دوره بعد از آن علی الخصوص آقای محمدی به عنوان مدیر عامل تعیین شده برای نیمه دوم سال ۱۳۹۸ که بنا به دلایلی نا مشخص نامی از ایشان و سایر افراد در گزارش سازمان بازرسی و پرونده متشکله برده نشده ، در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از اساسنامه شرکتهای مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد، دارای مشترک مسئول مشترک و تضامنی می باشند ، بنابراین مدیران هر گاه از مقررات قانونی راجع به شرکتهای سهامی تخلف کرده باشند و یا مقررات اساسنامه را رعایت نکرده باشند و یا از تصمیمات مجمع عمومی تخلف نموده باشند دارای مسئولیت هستند در غیر این صورت مسئول قلمداد کردن مدیران شرکت در مقابل سهامداران به عنوان ذینفعان فعالیت شرکت ، فاقد مبنا می باشد ، آن هم در پرونده حاضر که بدون تبیین موضوع ، ذکری از اسامی هیات مدیره به عنوان مدیران اصلی شرکت برده نشده و صرفاً پرسنل زیر مجموعه مورد ایراد واقع شده اند ، هیات مدیره ای که مدیر عامل صرفاً دستورات آنان را به انجام رسانده و خود پس از بررسی نسبت به تصویب آن اقدام نمودند و بازرس نیز در گزارش خود تایید اقدامات را صادر داشته و نهایتاً سهام دارانی که خود نسبت به تصویب صورت های مالی اقدام نموده و مفاسد مدیران خود را صادر نمودند . فلذا دو رکن اصلی قانونی مبنی بر لزوم احراز تخلف مدیران از مفاد اساسنامه ، مصوبات و تکالیف اعلامی سهام داران در مجامع شرکت و ایجاد ضرر با لحاظ کلیه ی جوانب موضوع ، در این پرونده وجود ندارد تا بر اساس آن محمل قانونی برای طرح موارد یاد شده ، آن هم به صورت گزینشی بدون توجه به ارکان تصمیم گیری در شرکت ، فراهم باشد .

## ۲) دفاع در ماهیت امر

در پاسخ به ادعای کاهش فروش محصولات شرکت فولاد خوزستان طی سال ۹۶ ناشی از عدم نظارت بر عملکرد واحد فروش داخلی توجه جنابعالی را به موارد زیر جلب می نمایم.

۲-۱- همانگونه که مستحضرید شرکت فولاد خوزستان با تولید ۳.۸۰۰.۰۰۰ تن شمش فولادی در سال از سال ۱۳۶۹ تاکنون با تلاش کلیه کارکنان موفقیت های بیشماری را کسب نموده و قطعاً تداوم تولید در طول بیش از سه دهه گذشته به کمک فرآیندها و نظام های مدیریتی مناسب و منسجم محقق شده است. در چنین شرکتی با این ابعاد از نظر مقدار تولید و ایجاد اشتغال مستقیم و غیر مستقیم و نقشی که در تأمین مواد اولیه مورد نیاز شرکت های پایین دست داراست ، نظام فروش نقش ویژه ای داشته و یکی از حیاتی ترین موضوعات شرکت می باشد. عدم توان شرکت در فروش به موقع محصولات تولیدی می تواند از جنبه های مختلف لطمات شدیدی به خود شرکت و شرکت های بالا دست و پایین دستی زنجیره تولید فولاد و استان و کشور وارد نماید. از جمله موارد تأثیر گذار بر



شرکت می توان به انباشت محصولات در شرکت و نتیجتاً "نیاز به جابجائی و تقبل هزینه های مربوط به آن بدلیل محدودیت فضای انبار ، خواب سرمایه معادل ارزش محصول انبار شده، هزینه تامین مالی برای جایگزینی عدم تامین نقدینگی به علت عدم فروش محصولات ، ریسک عدم توان در تامین به موقع مواد اولیه و کمکی و مورد نیاز تولید شرکت و تأخیر در پرداخت مطالبات تامین کنندگان به علت نبود نقدینگی لازم اشاره نمود. این ریسک ها در کنار ریسک احتمال کاهش قیمت فروش و خطر کاهش تولید شرکت منجر به عدم بازیافت هزینه های سربار شرکت خواهد شد. شرکت با انتخاب استراتژی تسهیل فروش محصولات متناسب با شرایط بازار اقدام نموده و این امر در اسناد رسمی تدوین استراتژیها و اقدامات استراتژیک و مدیریت ریسک شرکت که با استفاده از مشاورین و توسط مدیران ارشد سازمان تدوین و تصویب شده، قابل مشاهده می باشد. تصدیق می فرمائید هزینه های فوق الذکر بمراتب بیشتر از کاهش نرخ بهره فروش نسبه می باشد.

**۲-۲- اعمال نرخ بهره یک درصد در ماه برای فروش نسبه محصولات شرکت در سال ۹۶ از شهریور ماه سال مذکور آغاز شد. ( تغییر نرخ بهره از صفر درصد تا دو درصد در طول سنوات قبلی به عنوان روشی برای فروش بیشتر و بهینه محصولات متداول بوده است ).** در این ماه مقدار فروش داخلی محصولات شرکت تنها ۳۷.۶۷۸ تن بوده و با اتخاذ این تدبیر مقدار فروش در مهر ماه به ۹۰.۷۹۷ تن و در دوره اعمال این نرخ بهره مقدار فروش ماهیانه بطور متوسط به ۹۹.۸۰۵ تن افزایش یافت.

بدیهی است قیمت شمش در دوره فوق الذکر روندی کاهشی داشته و از ۲۱.۷۵۰ ریال به ازاء هر کیلوگرم در شهریور ماه به ۱۹.۵۳۵ ریال در مهر ماه و ۱۹.۰۷۴ ریال در آبان ماه و ۱۸.۸۵۳ ریال در آذر ماه کاهش داشت. با بهبود شرایط از بهمن ماه، قیمت شمش افزایش یافته و نرخ بهره نیز به ۱.۵٪ در ماه تغییر داده شد.

**۲-۳- رسالت شرکت فولاد خوزستان** وفق مفاد اساسنامه، تولید و تامین زنجیره صنعت فولاد بوده و جهت تحقق این مهم مدیریت شرکت بنا به وظیفه ذاتی باید با اعمال مدیریت مناسب از کلیه عواملی که موجب اخلاص در تداوم تولید و عدم تامین مواد مورد نیاز می گردد جلوگیری نماید. عدم فروش به موقع محصولات تولیدی در دوره زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۶ مصادف با رکود صنعت فولاد، می توانست موجب توقف تولید از جهت عدم توانائی تامین مواد اولیه مورد نیاز شرکت به اهم دلایل تشریح شده در بند یک و توقف تولید حداقل کارخانجات نوردی بعنوان صنایع پایین دستی گردد و تغییر در فروش متناسب با شرایط نشان دهنده نظارت و تلاش مضاعف در تحقق برنامه های شرکت می باشد. موضوع شرایط رکودی بازار و راهکار اتخاذ شده مبنی بر تغییر قیمت، زمان تحویل و شرایط پرداخت در مصوبات کمیته فروش شهریور ماه تا بهمن ماه سال ۱۳۹۶ ارائه شده است..

۲-۴- مقدار موجودی محصولات شرکت در ابتدای سال ۱۳۹۶ معادل ۳۸۷.۵۲۲ تن بوده که با تولید ۳.۷۵۹.۱۴۹ تن در طول سال، مدیریت شرکت با اتخاذ سیاستهای مناسب فروش موفق به کاهش موجودی به مقدار ۱۷۸.۸۰۸ تن گردید.

۲-۵- با اتخاذ تدابیر لازم و بکارگیری روش های مؤثر فروش و بازاریابی مقدار تولید در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال قبل ۴.۵٪ و فروش ۹.۳٪ رشد داشته و موجودی انبار ۵۴٪ کاهش یافته است.

۲-۶- کل فروش سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵ از نظر نرخ فروش ۳۹٪ و از نظر مبلغ ۵۱٪ رشد داشته است و کاهش فروشی صورت نگرفته است.

۲-۷- همانگونه که در بررسی دوره زمانی قراردادهای مورد نظر سازمان محترم بازرسی ملاحظه می شود، فروشهای دوره مذکور در بورس کالای ایران صورت گرفته و کاهش یا افزایش نرخ سود بر تعیین قیمت معامله شده مؤثر بوده است. به عبارت دیگر قطعاً بطور طبیعی اگر نرخ سود بجای یک درصد، ۱.۵٪ یا بیشتر می بود، قیمت فروش کمتر می شد و این کاهش قیمت در دوران رکود باعث رکود بیشتر و اصطلاحاً نخریدن محصول می شد و علاوه بر کاهش مقدار فروش، نرخ فروش با شدت بیشتری کاهش می یافت.

۲-۸- موضوع استفاده از روش فروش نسبه از سال ۱۳۸۲ متداول بوده و نرخ بهره در طول سنوات گذشته متناسب با شرایط صنعت و وضعیت تولید و فروش شرکت، بین صفر درصد، ۰.۷۵٪، ۱٪، ۱.۵٪ و ۲٪ متغیر بوده و می باشد. در دوره مذکور شرکت فولاد مبارکه اصفهان و شرکت فولاد هرمزگان محصولات خود را حداکثر با نرخ بهره یک درصد و در ازاء تضامینی سهل تر چون ملک عرضه می داشته اند. در صورتیکه شرکت فولاد خوزستان محصولات خود را در مقابل اعتبار اسنادی داخلی یا ضمانتنامه بانکی عرضه می داشته است. از شرایط فروش سایر تولیدکنندگان اطلاعات موثق و قابل ارائه ای در دست نیست.

۲-۹- گزارشات فروش محصولات فولادی بویژه اسلب در بورس کالا نشان می دهد که در دوره شهریور تا بهمن ماه ۱۳۹۶ عموماً مقدار عرضه بیشتر از تقاضا بوده و معاملات با قیمت پایه عرضه و حتی بصورت مچینگ مازاد عرضه، صورت می گرفته است و قیمت ها روندی نزولی داشته که گواه رکود شدید بازار می باشد.

۲-۱۰- نرخ تورم طبق شاخص تورمی اعلامی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی سال ۱۳۹۶ نسبت به سال قبل از آن ۹.۶٪ (کمتر از ده درصد) بوده است. گرچه ملاک انتخاب نرخ بهره برای فروش نسبه، افزایش مقدار و فروش بهینه محصولات شرکت بوده است. همچنین نرخ بهره تسهیلات بانکی در سال ۱۳۹۶ کوتاه مدت ۱۰٪ و یکساله ۱۵٪ بوده که با توجه به فروش نسبه سه ماهه محصولات این شرکت، انتخاب نرخ ۱۲٪ ( ماهیانه یک درصد ) منطقی بوده است اگر چه شرکت فولاد خوزستان موسسه اعتباری نبوده و هدف از فروش نسبه محصولات، افزایش



حجم فروش و تحقق اهداف تولیدی شرکت بر اساس موضوع فعالیت اساسنامه ای و سیاستهای کلان زنجیره فولاد بوده و می باشد.

۱۱-۲- طبق گزارش های موجود در سامانه کدال بورس اوراق بهادار، قیمت فروش شمش فولادی شرکت فولاد خوزستان در مقایسه با شرکت های دیگر در سال ۱۳۹۶ معادل ۰.۱۴ و در مقایسه با اسلب فروخته شده توسط سایر تولیدکنندگان ۷.۳۸ درصد بیشتر می باشد. همچنین با بررسی گزارش معاملات انجام شده در بورس کالای ایران در سال ۱۳۹۶ ضمن مشاهده رکود حاکم بر بازار و عدم وجود تقاضای مؤثر برای محصولات فولادی، ملاحظه می گردد که شرکت فولاد خوزستان نسبت به سایر تولیدکنندگان در تحقق فروش موفق تر بوده و قیمت فروش محصولات شرکت در دوره مذکور با رعایت مقررات بالاتر از سایر تولیدکنندگان بوده است. لازم به توضیح است که شرکت فولاد خوزستان در صنعت فولاد، تنها شرکتی می باشد که بهره را بطور مستقل از قیمت در صورتحسابهای فروش و قراردادهای فروش بصورت شفاف درج و ثبت می نماید.

۱۲-۲- مقایسه قیمت فروش شرکت فولاد خوزستان با بالاترین قیمت فروش سایر شرکت ها در بورس کالای ایران تنها در خصوص قراردادهای مورد نظر سازمان محترم بازرسی بیانگر بالاتر بودن فروش شرکت فولاد خوزستان به مبلغ ۴۵۳.۳۰۵.۳۱۶.۱۱۲ ریال با وزن یکسان می باشد.

۱۳-۲- وفق فرآیند فروش محصولات شرکت، قرارداد فروش با ذکر کلیه الزامات قانونی اعم از قیمت نقدی، قیمت نسبی، شرایط پرداخت و دیگر اطلاعات لازم تنظیم و با تایید صاحبان امضاء مجاز شرکت رسمیت یافته و گزارش عملکرد فروش به هیأت مدیره شرکت ارائه و تایید شده اند و عملکرد سال مالی ۱۳۹۶ در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت به تصویب رسیده است.

۱۴-۲- طبق آئین نامه معاملات شرکت " فروش داخلی محصولات برای آن دسته از محصولات که در سازمان بورس فلزات ( بورس کالای فعلی ) پذیرفته و عرضه شده اند مطابق ضوابط و مقررات سازمان مزبور انجام می پذیرد. "، فروش های دوره مورد بررسی سامان بازرسی در بورس کالای ایران صورت گرفته و طبق ضوابط و مقررات بورس کالای ایران برای همه موارد نرخ بهره بطور یکسان محاسبه شده است.

۱۵-۲- در مصوبه شماره ۸/۶-۱۰۰/ه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۱۰، هیأت مدیره فعلی شرکت فولاد خوزستان نیز پس از ارائه گزارش نحوه فروش محصولات با تداوم فرآیند فروش نسبی و دریافت بهره با هماهنگی مدیر عامل شرکت و انعقاد قرارداد فروش موافقت نموده است.

۱۶-۲- انباشت محصول در انبارهای شرکت و اصرار بر سیاست بازرگانی بر اساس نرخ بهره واحد در تمام ادوار، بدون در نظر گرفتن تغییر شرایط در دوره های مختلف علاوه بر اخلاف در چرخه تولید فولاد در کشور، برای این شرکت نیز موجب از دست رفتن سود ناشی از عدم فروش و انباشت محصول و به تبع آن اخلاف در تولید می باشد.

عدم اتخاذ سیاست های متناسب با بازار صنعت، فعالیت اصلی شرکت را از آنچه در اساسنامه توسط سهامدار تعریف گردیده است خارج می نماید. وظیفه ذاتی مدیریت شرکت اتخاذ تصمیمات متناسب با شرایط به منظور تحقق اهداف شرکت بوده که مصادیق آن در حوزه فروش مانند تناژ فروش، روشهای پرداخت (نقد یا نسیه، زمان فروش) و ... است. که همگی دلالت بر حسن تدبیر و نظارت کلیه اعضاء فرآیند فروش می باشد. با توجه به لزوم تداوم امر تولید و به تبع آن فروش محصولات شرکت وفق فرآیند فروش فوق الذکر که حاصل خرد جمعی در طول حدود ۳۰ سال سابقه خدمت بدست آمده، این سوال پیش می آید که اگر در سال ۹۶ اقدامی در جهت فروش محصولات مطابق شرایط روز صنعت انجام نمی شد و شرکت پیشنهاد فروش ثابتی را بدون توجه به شرایط اتخاذ می نمود، شرکت با مشکلات عدیده ای که در بند یک تشریح شده مواجه می شد، آیا موکلین به بی عملی متهم نمی شدند!!

۲-۱۷- در نهایت اطمینان داده می شود شرکت فولاد خوزستان از مدیران اجرائی فروش تا اعضای کمیته فروش و مدیر عامل و اعضاء هیأت مدیره در طول سنوات گذشته در کمال شفافیت و صحت تمام تلاش خود را در جهت تحقق اهداف تعریف شده بکار گرفته اند و نه تنها هیچ گونه کاستی و کم کاری صورت نگرفته بلکه نظام فروش شرکت در صنعت فولاد بعنوان بالاترین برند مطرح بوده و قیمت فروش این شرکت مبنای قیمت گذاری زنجیره فولاد کشور از سنگ آهن تا محصولات نهائی قرار گرفته است.

۲-۱۸- همانگونه که مستحضرید برای امکان انتساب جرمی به اشخاص در ابتدا می بایست ارکان سه گانه جرم از حیث عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی بررسی و احراز گردد، چه بسا امری مستوجب مسئولیت مدنی و حقوقی قرار گیرد ولی به واسطه ی عدم سوء نیت و نقص در عنصر معنوی، فاقد وصف مجرمانه گردد در پرونده حاضر فارغ از موارد یاد شده و ایرادات متعدد به نحوه اقدامات انجامی، بنا به اذعان و اقرار سازمان محترم بازرسی مندرج در صفحه ۱۶۸ گزارش تنظیمی، ضمن درخواست طرح شکایت از سوی سهام داران به واسطه علم بر عدم امکان طرح شکایت مستقل از سوی سازمان یاد شده، به صراحت بیان گردیده که تسامح و سهل انگاری در حفظ وجوه صورت پذیرفته است، فلذا موضوع فاقد عنصر معنوی چه از حیث خاص و چه از حیث عام می باشد، چرا که سوء نیت و یا سوء استفاده در اقدامات انجامی حتی از سوی سازان محترم بازرسی محرز نگردیده و دقیقا به همین دلیل منتهی به اعلام سهل انگاری شده است.

در خاتمه ضمن پوزش از اطاله کلام با عنایت به اعلام موارد خلاف واقع و بدون بررسی کارشناسی نسبت به موضوع، به دلیل وجود ایرادات متعدد به پرونده حاضر با توجه به اصل قانون بودن جرم و مجازات، اصل منع تفسیر موسع در امور کیفری و لزوم تفسیر مضیق به نفع متهم، اصل برائت و عدم دارا بودن مستندات و موارد ادعایی در پرونده حاضر علی الخصوص عدم وجود شاکی در پرونده مورد نظر، درخواست صدور **قرار موقوفی**



**تعقیب** را از آن مقام محترم خواستار است . لیکن در صورت عبور از موارد قانونی یاد شده ، به دلیل تخصصی بودن موضوع مستندا به ماده **۱۵۵** قانون آیین دادرسی کیفری تقاضای ارجاع امر به کارشناس و یا هیات کارشناسان رسمی دادگستری را از آن مقام محترم مورد استدعاست .

با تجدید احترام  
علی فرخ آشتیانی  
وکیل آقایان